

نقد
اقتصاد سیاسی

جلیقه زردها: شورش کم درآمدها



نقد اقتصاد سیاسی

آذرماه ۱۳۹۷

جلیقه‌زردها چه کسانی‌اند و چه می‌خواهند؟ گروهی از جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی و جغرافی‌دانان اخیراً مطالعه‌ای درباره‌ی انگیزه‌ها و سیمای اجتماعی - جمعیتی این جنبش انجام داده‌اند تا به این سؤال پاسخ دهند. در این مقاله آنان یافته‌های اولیه‌شان را ارائه می‌کنند.

نتایج اولیه‌ی مطالعه‌ی جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی و جغرافی‌دانان درباره‌ی این بسیج نشان می‌دهد که تظاهرکنندگان مطالبات اجتماعی دارند نه ناسیونالیستی.

در عین حال که هیچ تصویر سنخ‌نمایی از تظاهرکنندگان وجود ندارد، یکی از ویژگی‌های این جنبش تنوع آن است، جلیقه‌زردها بیش از هر چیز مردان و زنانی هستند که کار می‌کنند (یا بازنشسته‌اند)، میانگین سن‌شان ۴۵ سال است، به طبقه‌ی کارگر یا طبقه‌ی متوسط «پایین» تعلق دارند. این نتایج که هنوز خیلی قطعی نیست مبتنی بر تحلیل ۱۶۶ پرسشنامه‌ای است که تیمی مرکب از ۱۰ پژوهشگر و دانشجوی در میان شرکت‌کنندگان در کنش‌ها در خیابان‌ها و مراکز اخذ عوارض در بزرگراه‌ها یا در طی تظاهرات ۲۴ نوامبر و اول دسامبر توزیع کرده است.

مزدو حقوق‌بگیران عادی بیش‌تر و مدیران کم‌تر بازنمود دارند

به نظر می‌رسد برخی گروه‌ها در میان جلیقه‌زردهایی که این پرسشنامه را تکمیل کردند به‌قوت بازنمایی می‌شود. این درباره‌ی مزدو حقوق‌بگیران عادی صادق است که ۳۳ درصد از شرکت‌کنندگان را تشکیل می‌دهند (۴۵ درصد از آنان در سن کار هستند)، در مقایسه با آمار کلی فرانسه که ۲۷ درصد جمعیت این گروه هستند. این رقم دوبرابر کارگران عادی دست‌ورز است که ۱۴ درصد شرکت‌کنندگان را تشکیل می‌دهند. پیشه‌وران، مغازه‌داران و کاسبان خرده‌پا نیز بسیار پرتعدادند: ۱۰٫۵ درصد شرکت‌کنندگان (۱۴ درصد آنانی که در سن کار هستند)، در مقایسه با ۶٫۵ درصد آمار کلی فرانسه.

از سوی دیگر، متخصصان و مدیران سطح میانی نمود ضعیفی دارند. در راه‌پیمایی‌ها و راهبندان‌هایی که بین ۲۴ نوامبر و یکم دسامبر رخ داد، گروه اول ۱۰ درصد شرکت‌کنندگان (۱۳ درصد کسانی که در سن کار هستند) را تشکیل می‌داد که قابل‌مقایسه است با رقم ۲۶ درصد که آمار کلی فرانسه است، گروه دوم به‌ندرت پنج درصد شرکت‌کنندگان (هفت درصد کسانی که در سن کار هستند) را تشکیل می‌دهد که قابل‌مقایسه است با رقم ۱۸ درصد کلی در فرانسه. یک‌چهارم شرکت‌کنندگان در جنبش جلیقه‌زردها در گروه «غیرفعال» جای می‌گیرند و اغلب آنان مستمری‌بگیر هستند.

میانگین سنی جلیقه‌زردهایی که در این پیمایش مشارکت داشتند ۴۵ سال است که اندکی از میانگین سنی جمعیت فرانسه که ۴۱,۴ سال است فراتر است. گروه‌های سنی که بیش‌تر درگیر بودند عبارتند از ۳۵-۴۹ ساله‌ها (۲۷,۲ درصد)، سپس ۵۰-۶۴ ساله‌ها (۲۶,۶ درصد) و ۲۵-۳۴ ساله‌ها (۲۶,۶ درصد). گروه ۱۸-۲۴ ساله ۶,۲ درصد شرکت‌کنندگان و گروه سنی بالای ۶۵ سال ۱۷,۳ درصد آن‌ها را تشکیل می‌دهد.

زنان و مردان

مردان (۵۴ درصد) در مقایسه با زنان (۴۵ درصد) پرتعدادترند. اما سهم بالای زنان طبقه‌ی کارگر، گروهی اجتماعی که به طور سنتی خیلی به لحاظ سیاسی بسیج نمی‌شوند، واقعیت قابل‌توجهی است. در این‌جا ما گرایش زنان به تظاهرات را مشابه چیزی می‌یابیم که در راه‌پیمایی‌های ۲۴ نوامبر و یکم دسامبر دیدیم. در پرسشنامه‌های توزیع‌شده در تظاهرات جنبش (ارتجاعی کاتولیک) «ازدواج برای همگان» در شانزدهم اکتبر ۲۰۱۶ توزیع شد ارقام مشابه (۵۵ درصد مرد، ۴۴ درصد زن) می‌بینیم.

چنان‌که بسیاری از بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد، زنان همواره در تظاهرات شرکت داشته‌اند، اما این‌جا حضور پررنگ‌تری دارند. این امر چند دلیل دارد: در غیاب سخنگویان رسمی، نمایندگان اتحادیه‌های کارگری یا نمایندگان سیاسی که همه‌شان معمولاً مردند، و در غیاب سازمان‌ها، رسانه‌ها ناگزیر به شرکت‌کنندگان «عادی» توجه کردند. بُعد اجتماعی قدرتمند این منازعه و جایگاه کلیدی شرایط معیشتی در مطالبات این جنبش اجتماعی در محسوس بودن حضور زنان نقش دارد.

ویژگی‌های میانگین تحصیلی

حدود ۲۰ درصد پاسخ‌دهنده‌ها مدرک دانشگاهی داشتند، در مقابل ۲۷ درصد کل جمعیت فرانسه (داده‌های انستیتوی ملی بررسی‌های آماری و اقتصادی فرانسه برای ۲۰۱۴)؛ تنها پنج درصد شرکت‌کنندگان دوره‌ای بیش از چهار سال صرف تحصیلات عالی کرده بودند، دوره‌های کارشناسی با ۳۵ درصد (در مقابل ۲۴ درصد در کل جمعیت) و دیپلم دبیرستان (۲۹,۳ درصد پاسخ‌گویان در مقابل ۱۶,۵ درصد در کل جمعیت). تنها ۱۵,۴ درصد شرکت‌کنندگان تحصیلاتی کم‌تر داشتند (۳۱,۴ درصد کل جمعیت). با وجود این، در هشتم دسامبر ما از افرادی با درجه‌ی دانشگاهی فوق لیسانس یا معادل آن پاسخ گرفتیم. این امر تصویرگر جمعیت شرکت‌کنندگانی با شرایط میانگین است.

مردمی با درآمد مختصر

حدود ۵۵ درصد پاسخ‌دهنده‌ها گفتند که مالیات بر درآمد می‌پردازند (سهمی تقریباً مشابه کل جمعیت) و ۸۵ درصد آن‌ها صاحب خودرو بودند. به‌طور میانگین درآمد ماهانه‌ی خانوار را ۱۷۰۰ یورو عنوان کردند که حدود ۳۰ درصد کم‌تر از میانگین همه‌ی خانوارها است (انستیتوی ملی آمار و بررسی‌های اقتصادی ۲۰۱۵). پس اکثریت شرکت‌کنندگان در اقدامات جلیقه‌زردها افراد کم‌درآمد بودند. آنان به آسیب‌پذیرترین گروه‌ها از نظر اقتصادی تعلق ندارند: ۱۰ درصد از آنان عنوان کردند که درآمد ماهانه‌ی کم‌تر از ۸۰۰ یورو دارند، در مقایسه با فقیرترین ۱۰ درصد خانوارهای فرانسه که درآمدشان ۵۱۹ یورو است.

برای تقریباً نیمی از پاسخ‌دهنده‌ها (۴۷ درصد) جنبش جلیقه‌زردها نخستین حضورشان در بسیج اجتماعی است. تنها ۴۴ درصد آن‌ها تاکنون در یک اعتصاب شرکت کرده بودند. بنابراین تجربه‌ی اندکی برای اقدام جمعی داشتند. وقتی در مورد اشکال اقدام جمعی که مایل به مشارکت در آن هستند یا پیش‌تر در آن مشارکت کرده بودند از آن‌ها سؤال شد، تظاهرات محبوب‌ترین شیوه‌ی عمل بود (۸۱ درصد)، به دنبال آن نیز امضای فراخوان (پتیشن) جای داشت (۶۹٫۴ درصد آنان گفتند که پیش‌تر یک مورد را امضا کرده‌اند). تقریباً از هر ۱۰ نفر ۹ نفر با تخریب اموال مخالف بودند، اما ۵۸٫۸ درصد آنان گفتند که مایل‌اند برای مثال یک ساختمان اداری را اشغال کنند. نصف پاسخ‌دهندگان نیز مخالف آن بودند که برای تظاهرات به پاریس بروند. برای توجیه انتخاب‌شان به دلایل اقتصادی، خشونت، و ضرورت حضور در شهرستان‌ها اشاره داشتند. در مورد خودداری از پرداخت مالیات، تنها پنج درصد شرکت‌کنندگان گزارش کردند که از پرداخت مالیات خودداری کرده‌اند، در حالی که ۵۸٫۴ درصد این کار را به عنوان یک وسیله برای کنشگری را رد کردند. تحلیل‌های دیگر هم دریافتند که بین پاسخ‌های زنان و مردان تفاوت چندانی وجود ندارد.

مخالفت با سازمان‌های نمایندگی سنتی و جهت‌گیری‌های افراطی سیاسی

پیمایش ما همچنین مخالفت گسترده با سازمان‌های نمایندگی سنتی را تأیید کرد: ۶۴ درصد معتقد بودند که اتحادیه‌های کارگری هیچ جایگاهی در این جنبش ندارند، ۸۱ درصد این تصور را در مورد تمامی احزاب سیاسی داشتند.

این رابطه‌ی دور از نظام استقرار یافته‌ی نمایندگی یا بی‌اعتمادی به این نظام وقتی بازتاب یافت که از آن‌ها خواسته شد جایگاه خود را در طیف سیاسی از چپ تا راست تعیین کنند. پاسخ اصلی این اظهار نظر بود که آن‌ها سیاسی نیستند یا «نه چپ و نه راست» هستند (۳۳ درصد). از سوی دیگر، از میان کسانی که موضع گرفتند، ۱۵ درصد در چپ افراطی جای گرفتند در مقایسه با ۵٫۴ درصد که در راست افراطی بودند؛ ۴۲٫۶

درصد در چپ بودند، ۱۲,۷ درصد در راست و تنها شش درصد در جایگاه میانه بودند. پیمایشی که شرکت پژوهشی Ipsos در آوریل انجام داد نشان می‌داد که در عین حال که ۳۲ درصد مردم فرانسه در چپ و 39 درصد در راست جای می‌گیرند، ۲۲ درصد مردم فرانسه تقسیم‌بندی چپ - راست را رد می‌کنند. این رویگردانی گسترده در رابطه با سیاست عنصر مهمی در منحصربه‌فرد بودن این جنبش است.

انگیزه‌ها: در دفاع از سطح زندگی و علیه سیاست به نفع ثروتمندان

برای پاسخ‌گویان ما این کار کم‌تر شورش علیه یک مالیات خاص، یا دفاع از استفاده از خودرو بود، تا شورشی علیه نظام مالیاتی و فایده‌رسانی‌ای که ناعادلانه می‌دانند. شورشی علیه نابرابری‌ها اما علاوه بر آن علیه نطق‌های سیاسی که به شکلی نمادین تحقیرشان می‌کند و از ارزش‌شان می‌کاهد. مسأله دفاع از قدرت خریدشان و دسترسی‌شان به سطح مشخصی از زندگی (به ویژه رفاه که برای بسیاری از آنان به شکل روزافزودنی دسترس‌ناپذیر می‌نماید) و علاوه بر آن طلب احترام و بازشناسی حرمت آنان در بخشی از چهره‌های سیاسی (دولت و رئیس‌جمهور) بود.

از شرکت‌کنندگان دعوت کردیم که انگیزه‌هایشان را از طریق یک سؤال باز در ابتدای پرسشنامه شرح دهند («چرا در تظاهرات امروز شرکت می‌کنید؟») نخستین دلیل ناکافی بودن قدرت خرید بود (بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان). بسیاری گله کردند که استطاعتی برای حداقل رفاه را ندارند («من در سن بیست سالگی هستم و هیچ پولی ندارم.») مادرها به ما از مشکلاتشان در تأمین احتیاج‌ها گفتند («می‌خواهم در دو هفته‌ی پایانی ماه بچه‌هایم در بشقاب‌شان غذا داشته باشند نه این که صرفاً سیب‌زمینی بخورند.»)، که گاهی به مشکلات مسکن منتهی می‌شود که بسیاری از دانشجویان جوان شهادت دادند («استطاعت تهیه‌ی مسکن ندارم، در خانه‌ی سرایداری یک دوست زندگی می‌کنم») همان‌طور این مادر که می‌گوید «مبادا به جنوب بروم تا با مادرشوهرم زندگی کنم»

عامل بعدی در فهرست انگیزه‌ها بار مالیاتی اضافی بود (۶۹ پاسخ‌دهنده، ۱۸ نفر از آنان صریحاً به قیمت بالای سوخت اشاره کردند). تقریباً یک‌پنجم با اشاره به نخوت هیأت دولت گفتند که برای تظاهرات آن‌جا آمدند تا به دولت فعلی اعتراض کنند و خواستار استعفای امانوئل ماکرون بشوند). اغلب برای تأکید بر این عدم مشروعیت از اصطلاحات «سلطنت»، «الیگارشی» یا «دیکتاتوری» استفاده می‌شود. درخواست تغییرات نهادی که در ۲۴ نوامبر پدیدار شد در یکم دسامبر تأیید شد. یک‌دهم پاسخ‌دهندگان خواستار اصلاحات نهادی بودند. به نظر می‌رسد در میان شرکت‌کنندگان در تظاهرات هشتم دسامبر این روند تقویت شد.

پرسش باز بعدی این بود که دولت در برابر مطالبات جلیقه‌زرها چه کاری باید انجام دهد. تعجب ندارد که بیش‌ترین پاسخ کاهش مالیاتی بود که یک‌سوم پاسخ‌گویان خودبه‌خود به آن اشاره کردند. برای ۴۸ پاسخ‌دهنده سیاست‌هایی برای افزایش قدرت خرید نیز ضروری بود. از آن میان، ۲۸ نفر خواستار افزایش حداقل مزد یا حتی دستمزدها به طور کلی شدند، ۱۴ نفر افزایش عمومی قدرت خرید و ۸ نفر افزایش مستمری را خواستار شدند. تقاضا برای بازتوزیع ثروت در پاسخ‌های ۳۶ پاسخ‌دهنده مطرح شد؛ ۱۹ پاسخ‌دهنده خواهان وضع دوباره‌ی مالیات بر ثروت و پنج پاسخ‌دهنده خواهان توزیع عادلانه‌تر مالیات‌ها شدند.

بیش از یک‌پنجم پاسخ‌دهنده‌ها صرفاً خواستار آن شدند که دولت به شهروندان گوش بدهد، «خودش را جای آنان بگذارد». این یکی از دل‌مشغولی‌های اصلی مردمی بود که با آن‌ها صحبت کردیم. سرانجام یکی از پنج ویژگی این جنبش حضور مطالبات نهادی علاوه بر مطالبات اجتماعی بود. از این رو، ۲۶ نفر مطرح کردند برای این که این جنبش را موفق ارزیابی کنند باید اصلاحات نهادی مهمی رخ بدهد: ۱۸ نفر خواهان تغییرات گاه بنیادی (مثلاً «اصلاح کل حاکمیت»، «یک نظام سیاسی متفاوت») بودند، هشت نفر خواهان پایان دادن به امتیازات وکلای مجلس شدند و چهار نفر عقیده‌ی خود در ضرورت جمهوری ششم را مطرح کردند.

باید توجه داشت که تنها دو نفر از ۱۶۶ نفری که با آن‌ها مصاحبه شد در پاسخ به پرسش‌های ارائه‌شده به مدیریت مهاجرت اشاره کردند. این امر نشان می‌دهد که در تحلیل‌هایی که این جنبش را تبلور راست افراطی می‌بیند باید بازنگری کرد.

بنابراین به نظر می‌رسد دو محرک اصلی جلیقه‌زرها عدالت اجتماعی بیش‌تر (یک نظام مالیاتی که بیش‌تر بر اغنیا اتکا دارد، بازتوزیع بهتر ثروت، یا ارائه‌ی خدمات عمومی) و این درخواست که دولت باید به مطالبات‌شان توجه کند. برعکس، برخلاف این دیدگاه که جنبش مرکب از هواداران یا کنشگران جریان راست افراطی تجمع ملی است، مطالبات ناسیونالیستی، مانند مطالباتی که بر هویت یا مهاجرت تأکید دارند، خیلی حاشیه‌ای بود. همان‌طور که الکسی اسپیر (نویسنده‌ی *مقاومت مالیاتی، دل‌بستگی به دولت*) نشان می‌دهد، آن‌چه این بسیج را تبیین می‌کند بیش از هر چیز احساس بی‌عدالتی مالی است که به‌ویژه در میان طبقه‌ی کارگر برجسته است.

سخن کوتاه، همان‌طور که بسیاری در مصاحبه‌ها ادعا کردند، این در حقیقت قیام «مردم» – به‌مفهوم طبقه‌ی کارگر و لایه‌های پایینی طبقه‌ی متوسط، مردم کم‌درآمد، است. در نتیجه جنبش جلیقه‌زرها به انحای گوناگون ارائه‌گر نوع متفاوت چالش جنبش‌های اجتماعی دهه‌های اخیر است. علاوه بر اندازه‌ی آن، حضور قدرتمند مزدو حقوق‌بگیران، مردمی با درجات تحصیلی نسبتاً پایین و تظاهرکنندگانی که نخستین بار است

به تظاهرات دست می‌زنند و بیش از هر چیز گوناگونی رابطه‌شان با سیاست و اولویت‌های حزبی که اعلام کردند، این مردم در فرانسه‌ای که عادت به تسخیر فضاهای عمومی و سخنرانی‌های عمومی ندارد، خیابان‌ها و بزرگ‌راه‌ها را به مکان‌هایی برای تظاهرات و نیز مکان‌هایی برای مبادله‌ی اندیشه‌ها و ساختن جمع به اشکالی که در بسیج‌های قبلی به ندرت دیده می‌شد بدل کردند.

پژوهشگران پیمایش حاضر:

Camille Bedock, Centre Émile-Durkheim, Sciences Po Bordeaux, CNRS;

Antoine Bernard de Raymond, Irisso, Université Paris-Dauphine, INRA;

Magali Della Sudda, Centre Émile-Durkheim, Sciences Po Bordeaux, CNRS;

Théo Grémion, master's degrees in geopolitics and urban planning;

Emmanuelle Reungoat, Centre d'études politiques de l'Europe latine, Université de Montpellier;

Tinette Schnatterer, Centre Émile-Durkheim, Sciences Po Bordeaux, CNRS

این مقاله نخست در نشریه‌ی لوموند در لینک زیر منتشر شد.

[«Gilets jaunes»: une enquête pionnière sur la «révolte des revenus modestes»](#)

ترجمه‌ی انگلیسی آن نیز در لینک زیر منتشر شده است:

[Gilets jaunes: a pioneering study of the 'low earners' revolt](#)

بخش پایانی مقاله‌ی اصلی روش جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش را توضیح داده است که در ترجمه‌ی فارسی ارائه نشده است.